

فرهنگیان

یاری‌گری

چه کسی از ساکنان قایق موسیقی، آن را سوراخ می‌کند؟



در سه هفته گذشته چندین کنسرت در ایران لغو شده است که برخی از آنها عبارتند از کنسرت کیهان کلهر و شهرام ناظری در نیشابور و مازیار فلاچی در یزد. به‌رغم بار رسانه‌ای که خبر لغو کنسرت‌ها داشت و موضع‌گیری‌ها و بیانیه‌هایی را رقم زد که بیشتر فقدان جایگاه صنف موثر و حمایت‌گر را گوشزد می‌کرد، در این میانه مواضع اهالی موسیقی که همگی بر یک قایق سوارند و اعمال و رفتار آنها در حرکت‌های صنفی تاثیرگذار است، در این موضع قابل تامل بود.

کیهان کلهر، نوازنده پُراوازه کمانچه، در صحبت‌های تلفنی با «فرهنگستان» عنوان کرد که برخورد با لغو کنسرت‌ها نباید به اسم یک هنرمند تمام شود و تمام موزیسین‌هایی که کنسرت‌های آنها لغو شده‌است یک جایگاه دارند و نباید شهرت و کسوت و ژانر موسیقی، رفتارهای متفاوتی را برانگیزد چراکه همه در راه احقاق حقوق صنفی اهالی موسیقی برابر هستیم و باید با همه ما یکسان برخورد کنند. این صحبت‌ها نشان از روحیه بالای صنفی و درایت در او داشت.

اما شهرام ناظری خواننده موسیقی سنتی دربخشی از سخنانش مبنی‌برلغو کنسرتش درنیشابور اینچنین گفت: «اگر این مشکلات برای کسی به وجود می‌آمد که خارج ازکشور زندگی می‌کند و حالا به دلیل اجرای برنامه‌ای به ایران برگشته، قابل هضم بود.ولی این روند باید برای منی که سال‌هاست ایران را ترک نکرده‌ام، متفاوت باشد.» که اشاره مستقیم او به کیهان کلهر بود و نشان می‌داد که این خواننده سنتی برخی را مستحق لغو کنسرت می‌داند و مهم‌برای او گرفتن مجوز کنسرتش است و بس. از این رو رفتار صنفی در گفته‌های او تنها چیزی است که یافت نمی‌شود. البته لازم به توضیح است که مجوز کنسرت شهرام ناظری دوباره صادر شد.

مازیار فلاحی خواننده پاپ بعداز لغو کنسرتش در یزد عنوان کرد: «لغو پیی در پی این کنسرت پس از لغو پیی در پی دیگر کنسرت‌ها همچون لغو کنسرت استاد ناظری و کیهان کلهر این شأنیه را به وجود نمی‌آورد که آیا برگزاری کنسرت‌ها در برخی شهرها مجاز است و در برخی دیگر غیر مجاز است؟ آیا همه قطعات موسیقی تمام این کنسرت‌ها دارای مجوز نیستند و آیا هر اجرا نیز مجوز جداگانه ندارد؟ و آیا فعالیت هنری این گروه‌های موسیقی تحت مجوز رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست؟ همه ما در یک کشور زندگی می‌کنیم و با یک قانون واحد که باز هم نشان می‌دهد هر چند موزیسین‌های پاپ جدی تلقی نمی‌شوند اما در بین آنها نیز هستند کسانی که به حقوق صنفی واقفند و در صدد حمایت از حقوق از دست‌رفته اهالی موسیقی هستند.»

پرسش| سوال اینجاست که چرا روحیه صنفی این‌قدر در بعضی از موزیسین‌های ما پایین است؟ آیا اگر اجحافی به حق یک موزیسین شود این امکان وجود ندارد که در حق دیگری نیز همان اجحاف تکرار شود؟ سخنان شهرام ناظری نشان داد که در قایق اهالی موسیقی کسانی هستند که دارند همان جایی را که نشسته‌اند، سوراخ می‌کنند و متوجه عواقب جمعی آن نیستند.

موسیقی

www.Farheekhtegan.ir

Sun. | 29 May 2016 | Vol.08 | No. 1955

یکشنبه ۹ خرداد ۱۳۹۵ | ۲۲ شعبان ۱۴۳۷ | ۲۹ می ۲۰۱۶ | شماره ۱۹۵۵



اجرای ارکستر سمفونیک تهران به رهبری شهداد روحانی

بیتا یاری bitayari@fdn.ir

خوردن فست‌فود برای اغلب ما تجربه‌ای آشناست. خوردن غذایی آماده که خیلی سریع تهیه می‌شود و در هر کوچه و خیابانی هم شعبه‌ای دارد که بتوان آن را خرید و برای رفع گرسنگی ا قناع شد. در عین حالی که می‌دانیم سال‌هاست پزشکان سلامت جامعه و متخصصان تغذیه آن را مضر برای سلامتی عنوان کرده‌اند و حتی عامل اصلی فریگی، کمبود ویتامین‌های لازم برای بدن و آسیب‌پذیری در برابر بیماری‌ها را که امروز شایع‌ترین خطرات سلامتی است، به دلیل رواج فست‌فود می‌دانند. اما کیست که تا‌به‌حال لب به فست‌فود نزده باشد و هرچه هم که دنباله‌رو خوراک سالم باشد، روزهایی ناگزیر از مصرف فست‌فود بوده است. بسیاری از مخاطرات مصرف این غذاهای آماده را همگان می‌دانند و ارزش غذای خانگی را که برای تهیه آن زحمت کشیده شده

و سالم بودن آن تضمین شده است، به خوسی می‌دانند اما غذای حاضر آماده مزایایی هم دارد که انگار برای زندگی ماشینی در عصر ارتباطات و اطلاعات ساخته شده است. آن هم زندگی ماشینی‌ای که می‌خواهد همه‌چیز را در سریع‌ترین زمان ممکن به انجام برساند. روحیه نتیجه‌محوری نیز اغلب در اصلی است که قدرتش بر تمام دلایلی ناسالمی غذای آماده می‌چرید. تنها وضعیت خوراک نیست که مدلی از بنگاه‌های زودبازده در آن نیز وجود دارد که به آن فست‌فود گفته می‌شود.



فرهنگیان |به‌سختی می‌توان در کنار هنرمندی بزرگ که به درختی تناور و تنومند شبیه است، مستقل بود و خود را از زیر سایه آن درخت تناور بیرون کشید. آن‌هم وقتی در کنار موزیسینی چون کیهان کلهر باشی که آوازه و اعتبارش همپای هنرش بر صحنه موسیقی درخشش دارد. اما اکنون علی‌بهرامی‌فرد آرام‌آرام نتوانسته خود را از زیر سایه این درخت تناور بیرون بکشد و هنرش را در عرصه به درجه برساند. از این رو شب‌های کنسرت «پردگیان باغ سکوت» علاوه‌بر بی‌نظیری مثال‌زدنی جنس موسیقی و کیفیت ارائه‌اش، نکته‌ای دیگر نیز در خود داشت و آن اینکه در این کنسرت‌ها «علی‌بهرامی‌فرد» نوازنده سنتور نشان داد که آرام‌آرام دارد به آن جایگاهی می‌رسد که شایسته تالاش‌های اوست و راهی را که سال‌هاست آغاز کرده و بر آن ممارست داشته به انجایی نیکو مبدل می‌کند. در این شب‌ها ساز سنتور در کنار ساز کمانچه از تشخیص و اثر انگشت خاصی برخوردار بود که بی‌کسان تنها میدان‌دادن کیهان کلهر به نوازنده سنتور عامل آن نیست، بلکه آهنگساز آلبوم «راه» چکیده سال‌ها تلاش خود را در این شب‌ها یک‌جا به عرضه واداشته بود تا نشان دهد راهی را که از آلبوم «ز بعد ما» شروع کرده است، به‌اهستگی و پیوستگی و بدون ادعا و هیاهو همچنان ادامه می‌دهد تا هر روز بیشتر به کمال و پختگی برسد.

اکنون ارکستر سمفونیک تهران نیز با همین وضعیت یک شب کنسرت داده است تا مدیران بنیاد رودکی اعلام کنند همچنان توانایی اداره ارکستر سمفونیک تهران را دارند. اولین شب اجرای ارکستر سمفونیک تهران که برای هزاران درد و مشکلاتش راحت‌ترین راهکار انتخاب شده است تا آن هم همانند یک بنگاه زودبازده به نتیجه برسد، تنها اسم ارکستر سمفونیک تهران را یدک می‌کشید و چیزی شبیه فست‌فود برای درد ارکسترداری در این مملکت بود. چراکه:

۱۹۰نوازنده اسبق ارکستر از مجموعه بنیاد رودکی برای حقوق معوقه و بیمه‌های پرداخت نشده به مراجع قانونی شکایت کرده‌اند و اغلب در اجرای چهارشنبه شب گذشته حاضر نشدند روی سن بروند. همان‌هایی که ۱۴ماه با رهبر ثابت قبلی، مایسترو علی رهبری کار کرده بودند و حالا در اجرای چهارشنبه شب گذشته، غایبان اصلی ارکستر سمفونیک تهران بودند. یعنی این نوازندگان شایسته‌ترین برای داشتن یک ارکستر سمفونیک

بودند اما در اجرای چهارشنبه شب آنها جایی نداشتند و اعضای ارکستر ملی و نفرات بازنشسته یا مستعفی از ارکسترها، جای خالی آنها را پر کرده بودند تا بلکه متولیان و مدیران فرهنگی هنری برای نشان دادن درایت خود و البته بستن دهان منتقدان با این راهکار فست‌فودی نشان دهند که هیچ بحرانی روی آنها کارگر نمی‌شود.

۲جمع‌آوری اعضا برای روی سن بردن یک شب ارکستر سمفونیک تهران بی‌شبهات به کارکرد بنگاه‌های خدماتی نیست، چراکه آنها نیز به هر ترفندی می‌توانند نفراتی



| عکس:امیر خانه |

نگاه‌ها به «دخت پری‌وار» معطوف خواهد شد

گروه ادب و هنر|در حالی که علیرضا قربانی مشغول برگزاری کنسرتی از ساخته‌های فردین خلعتبری و مهیار عزیزاده در شیراز است، کنسرت آلبوم «دخت پری‌وار» او در تهران یک شب دیگر تمدید می‌شود. این آلبوم زمستان گذشته رونمایی شده که منتقدان آن را امتداد تجربه «حریق خزان» می‌دانند و البته هنوز آن‌گونه که باید در رسانه‌ها به آن پرداخته نشده‌است، اما به‌طور مشخص بعد از کنسرت تهران و بازتاب آن در بین اهالی رسانه، احتمالاً نگاه‌ها به آن معطوف خواهد شد؛ و شایسته است نقدهای جدی بر آن صورت پذیرد تا تکرار این آفت هنر، موجب خسارت بیشتری بر پیکر موسیقی ایرانی نشود.

نست. ارکستر سمفونیکي که خبر مهم اجرای آن آهنگ تولدت مبارک باشد!

۵پاپ شدن همه امور موسیقی از تبلیغات تا نحوه رایزنی و اجرا و حتی رهبری ارکستر، آفتی بود که بالاخره به ارکستر سمفونیک هم رسید تا بازار ابتذال بر همه امور موسیقی در اختیار متولیان دولتی فرهنگ، به منصف ظهور برسد. بازار ابتذالی که در جشنواره موسیقی فجر به وضوح خود را نشان داد، حالا دیگر بر همه امور بنیاد رودکی سایه ستری انداخته است.

۶زود بازده شدن ارکستر همان مساله تاریخی مشکلات ارکستر از دوره مدیران دولت قبلی است که به ارث رسید و هر چند رهبر و مدیر هنری اسبق ارکستر سمفونیک کوشید در دوران مدیریت خود بر ارکستر سمفونیک تهران با این دیدگاه مبارزه کند و اجازه ندهد به‌جای کارهای بنیادی و ریشه‌ای که در نظر داشت، کارهای نمایشی و عوام‌پسند جای آن را بگیرد. اما مساله اصلی این بود که مدیران دولتی فرهنگ و هنر به مساله ارکستر به‌عنوان سرمایه‌گذاری بلندمدت نگاه نمی‌کردند بلکه آن را تحمیل هزینه عنوان می‌کردند. در نتیجه آنهاپی که ارکستر را به بنیاد رودکی منتقل کردند تا از درآمد آن به‌عنوان بنگاه زودبازده بهره‌برداری کنند، مانع فعالیت ریشه‌ای و جدی آن شدند و نگذاشتند دیدگاه جدی و حرفه‌ای در آن پا بگیرد و حالا با کارهای عوام‌پسندانه مشغول اهداف خویشند؛ و متأسفانه بیشترین ضرر را برای نسل آینده اینس مملکت فراهم کردند که هیچ‌گاه مفهومی از موسیقی جدی را در کشور حس نکنند و نبینند.

۷القای این دیدگاه که هر کسی می‌تواند با هر درجه‌ای از دانش و معلومات بر هر کرسی و قله‌ای بنشیند، شاید در سیاست معنا شده باشد و البته مردم ایران نیز در هشت سال حضور دولت قبل این مساله را با روح، جان، و گوشت و پوست خود به معنای عمیق حس کرده‌اند که به چه معناست. اما تسری دادن آن به مسائل هنری فاجعه‌تر است. و چنانکه مدیران بنیاد رودکی نشان داده‌اند، گویا از آن هشت سال درس نگرفته‌اند. و آیا حالا با قرار دادن فردی در جایگاه رهبر ارکستر هر چند به‌عنوان میهمان که در رزومه خود فعالیت در حوزه موسیقی سمفونیک را به صورت حرفه‌ای ندارد، همان راه رفته سیاست را تکرار می‌کنند؟ و آیا در این میان نیز با تبلیغات گسترده بر رزومه‌های گرانبزیه شده نیز می‌توانند مهر تایید بزنند؟

۸درمان درد نداشتن ارکستر راهکار فست‌فودی و زودبازده جمع‌آوری ارکستر با نفرات غیرثابت برای هر پروژه تعریف شده آن هم با رهبران میهمان برای کدام و جاهت، معنا و اعتباری می‌تواند داشته باشد؟ آیا این راهکار امید بر باد ده نیست؟ که تدبیر نیز در آن غافل است؟

#



از گوشه تا گوش

در حاشیه آلبوم «ماندالای درون» اثر «سام اصفهانی»

درون پر تغزل

«ماندالای درون» نخستین کار «سام اصفهانی» که توجهی بیش از نخستین کار یک آهنگساز ناشناخته را برانگیزته (شاید به سبب همدلی‌ها در محیط دانشگاهی)، از آن دسته آلبوم‌هایی است که نامش مخاطبش را به نوع خاصی از شنیدن وادار می‌کند؛ هر چقدر که باور داشته باشیم گذاشتن اسم خاص روی یک قطعه بی‌کلام و بدون اهداف برنامه‌ای، اجباری برای همراه شدن با نظر آهنگساز ایجاد نمی‌کند، این از عنوان‌هایی نیست که بشود به آن بی‌اعتنا بود و از خیرش گذشت. این اصطلاح سانسکریت برای امروز ما دلالت نوعی فضای عرفانی شرقی دارد (حتی وقتی به درستی نمی‌دانیم معنایش چیست) انتظار نوعی فضای موسیقایی مراقبه‌آور را برمی‌انگیزد (در بعضی قطعات این گونه هست و در بعضی نیست). حتی می‌توان گامی یا گام‌هایی بیشتر گذاشت و میان «چهار پانوراما»ی نخست و تصور مربع، و «پنج قطعه تغزلی» دوم و تصور دایره و تجسم هندسی ماندالا پلی فرمال زد و با آهنگساز از این زاویه هدمد شد و ادعای نام‌گذاری‌اش را تقویت کرد. اما این کار چندان سودی ندارد، زیرا ماندالا در اینجا نه لزوماً به آن معنای مراقبه‌گون بلکه به معنای نمودی از درون آهنگساز، نمودی بازگشاینده از روان هنرمند، شمرده شده وای بسا که روان آهنگساز پر از نواهای مراقبه‌آور نبوده باشد. در اینجا آهنگساز، آنچنانکه خود نیز صریحاً به آن اشاره کرده، نوعی تعبیر (یا کارکرد) یونگی از ماندالا را در نظر داشته است.

هر دو مجموعه به هم پیوسته قطعات آلبوم از لحاظ کیفیت و لحن، بیانی یکدست دارند. با همه گوناگونی مصالحی که در ساخت‌شان استفاده شده، مشخصاً پیوستگی‌های لازم برای در کنار یکدیگر قرار گرفتن را در آنها می‌توان شنید. حال اینکه این امر حاصل گزینش خوب از میان قطعات آهنگساز است یا یکنواختی نگاه به موسیقی یا صرفاً فضای مسلط یک دوره کاری و نشانه‌هایی اولیه از یک زبان شخصی، چیزی است که در آینده مشخص خواهد شد، زیرا این آغاز راه اصفهانی است. همه قطعات چیزی از شاعرانگی با خود دارند، نوعی کیفیت تغزلی که روی همه‌رفته‌در همه جای آلبوم هست و البته در بخش دوم بیشتر. سرچشمه این تغزل هم ساختار خود قطعات است و هم در اجرای لطیف و ظریف.

ماندالای درون، پسر است از مواد و مصالحی که از گونه‌های مختلف موسیقی در ایران آمده‌اند. به‌ویژه در پانوراماها که چهار قطعه نخست را تشکیل می‌دهند اینها دستمایه اصلی کار آهنگساز قرار گرفته‌اند. بهر‌مقدی از مصالح موجود در فرهنگ خودی و پیوندزدن‌شان بسا موسیقی‌های دیگر (معمولاً موسیقی کلاسیک غربی) به‌عنوان سنگ‌بنای اولیه، روشی بسیار معمول و متداول در دوران حاضر است، اما آنچه در مورد ماندالای درون متفاوت است نوع برخورد با آن سنگ بناهاست. برخورد اصفهانی، برخوردی محبوبانه است. مصالحی که وام می‌گیرد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند.

و مثال روشن از این‌گونه برخورد در قطعات پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می‌دهد یا گاهی افزایش می‌دهد تا براساس آنها کارش را بسازد فقط در یک لحظه (و معمولاً لحظه اول) حضور بی‌واسطه و کاملاً آشکار دارند و سپس بی‌درنگ آهنگساز بین حواسشان از این گونه برخورد در ابتدای پانوراما‌های «نهفت» و «ماهور» دیده می‌شود، آنجا که لحناتی نقش‌مایه‌های تمام‌ترین‌شان را از آنها سلب می‌کند و به استخوان‌بندی لخت تبدیل‌شان می‌کند. خود تم‌ها را کاهش می